

## حکمت پنجم

معرفة الفضائل الاخلاقية: العلمُ وراثته كريمة، والآدابُ حُللٌ مُجددة، والفكرُ مرآةٌ صافية.

شناخت ارزش های اخلاقی: دانش، میراثی گران بها، و آداب زیورهای همیشه تازه، و اندیشه، آیینه ای شفاف است.

علم وراثت کریمه است. علم ارثی است. از پیامبران و امامان به ارث رسیده است. امام باقر (علیه السلام) به دو نفر فرمود: شرق و غرب عالم را بروید، اگر یک علم درست و حسابی پیدا کنید از ما آغاز شده است. این ارث از انبیاء و اهل بیت به شما رسیده است.

۱۲۴ هزار پیامبر داشتیم. ۳۱۳ نفرشان گفتند ما رسول هستیم بقیه را می گفتند حکیم است عاقل است، باهاش مشورت کنید. پیامبران آمدند این حرف ها را به مردم یاد دادند.

معنی دوم: شخصی می میرد که به همه ارث نمی دهند. به یک عده خاص می رسد. یک رابطه ای دارد، ارتباطی با آن شخص فوت شده دارد. این طور نیست که به هرکس ارث بدهند. مورث و وارث با هم ارتباط دارند. این طور نیست که علوم صحیح رو به هرکس بدهند. باید یک ارتباطی با اهل بیت داشت. صلاحیت داشت این دو مسئله ای که در این سخن به دست آمد هر دو در حکمت ۱۴۷ آمده است: حضرت دست به سینه گذاشتند و گفتند اینجا علوم نهفته دارم اگر اهلش را پیدا کنم (به هر کسی نمی دهم باید صلاحیت داشته باشند) فرمودند بله کسانی را دیدم بعضی از دین استفاده ابزاری برای دنیا می کردند، چرا باید علم را به آن ها ارث بدهیم. بعضی نیز غرور و تکبر می گرفتشان که ما چنین و چنان هستیم. بعضی ها هم اعتقادی دنبال این مسائل نمی روند و قال الصادق و قال الباقر به چه درد این ها می خورد؟ گروه سوم شهوت ران گروه چهارم مال اندوز. اگر بخواهیم تشبیه کنیم که اونهایی که شهوت ران و مال اندوز هستند مثل حیواناتی هستند که به چرا رفتند. اون حامل علم برود و اون علی هم برود و به این ها چیزی نرسد.

حضرت عیسی در جمعی چنین سخن گفتند: که شما حکمت ها را به نااهل نیاموزید چون به حکمت ظلم می شود و اگر اهلش بود بیاموزید و الا به آن شخص ثالث ظلم می شود. شخصی نزد ابن سیرین رفت و گفت خواب دیدم گویا مروارید به گردن خوک می اندازم. او گفت تعبیرش چنین می شود تو به نااهل چیزی یاد می دهی شاگرد نااهل داری. پس ۱- علم از امامان به ارث می رسد و ۲- یک صلاحیت هایی باید داشته باشید تا از اهل بیت به شما علمی برسد.

نکته سوم از این سخن: کریمانه برخورد کنی، بگذاری برای مردم. مثل پدری که یک طرفه می گوید ارث برای بچه هام میگذارم و نمی گوید مگه بچه هام چی برایم گذاشتند که ارث بهشان بدم و می گوید من مردم این اموال مال بچه ها. نیاییم خودمان را مقایسه نکنیم حالا با فلان مغازه دار که مگر ما چقدر درآمد داریم اون درس نخونده فلان چنان کنیم. کریمانه علم رو در خدمت جامعه قرار داد و به دیگران داد.

نکته چهارم: علم رو به ارث بگذارید که بقیه به دنبال ادامه آن بروند. این طوری علم بیاموزید نه این که کارهای تکراری و موازی کاری و نموندنی این ها با وراثت کریمه نمی سازد. علمی رو یاد بگیرید که به آینده ها بدهید. که آیندگان به دنبال بقیه اش بروند علمی ماندگار. نه بحث های روزمره، موازی کاری و ...

فراز دیگر: ادب زیوری است تازه ساز و نو. ادب ها این طور هستند که مانند یک طلای تازه ساخت هستند که همه جا خریدار دارد. در هر کجای دنیا طلا را می خرند. اگر یک شخصی هم تلاش رو تبدیل می کند به این خاطر است که تلاش تازه ساز نیست با یک تازه ساختی عوضش کند. اگر ادب باشد همه خواهان این طلای تازه ساخت هستند. ادب یعنی چه؟ در روایات به دو معنا آمده است یکی به معنای رشد و استعداد است. ارثی مانند ادب نیست پدر برای فرزندت می خواهی ارث بگذاری رشد و استعداد به او بده و آینده اش رو تضمین کن. با پول به جا گذاشتن آینده ش تضمین نمی شه. بچه هاتون رو تربیت کنید برای آینده ها. بعضی چیزها زمانش رد شده جوری استعدادهایشان را شکوفا کنید که بتوانند در آینده ها مطرح باشند و زندگی کنند این ها معنی رشد و استعداد است.

معنی دوم: طرف از خودش می فهمد نیاز نیست بهش تذکر و توضیح بدهند اون بی ادب ها هستند که باید به آن ها بگویند چنین نکن و چنان بکن. به آن ها باید مدام دتسور داد. در روایت داریم شخصی میاد به نزد امام کاظم (علیه السلام) می گوید ما چند نفری ساعت ها آن دورتر از شما کنار هم نشستیم و داشتیم صحبت می کردیم راجع به زن. که بهترین زن کیست. نتیجه نگرفتیم. آقا شما هم یک نظری بدهید. حضرت فرمودند: بهترین زن، زنی است که سه خصوصیت داشته باشد: اول ویژگی او این باشد: عقل داشته باشد دوم ادب و سوم دوستش داشته باشیم. ادب به این معنی است که نیاز نباشد به او تذکر بدهیم خودش می داند، از خودش بفهمد. اما زنی هست که ادب ندارد ولی عقل دارد یک بار به او تذکر می دهیم برای او کافی است می فهمد. زنی است که نه عقل دارد و نه ادب فقط دوستش داریم فرمودند هر سه ویژگی را دارد بهترین زن است. اگر عقل دارد ولی ادب ندارد باز هم خوب است، اما زنی که هیچ کدام را ندارد و فقط دوستش داری

برای شما تحمل و صبر برای انسان می آورد. وای بر اون روزی که نه عقل دارد و نه ادب دارد و نه محبوبیت. فرمودند تو این طرف دریا باش و او آن طرف اون به درد نمی خورد.

پس معنی دوم ادب طبق عرف و روایت این است که نیاز به تذکر نداشته باشد و از خودش بفهمد.

اگر کسی ادب داشته باشد یعنی استعدادهاش شکوفا باشد از خودش بفهمد نیاز به تذکر نداشته باشد همه دوستش دارند. این که مردم از کسی بیزارند به خاطر این است که پیشرفتی نداشته، استعدادهاش شکوفا نشده و نیاز به تذکر دارد و مدام باید به او بگویند چنین نکن و چنان بکن. برای محبوبیت رشد و استعداد و این که از خودش بفهمد لازم است.

فراز بعدی: فکر یک آینه ای شفاف است بدون این که کدر باشد. فکر یعنی چه ؟ و آینه چه کاری باهاش انجام می دهد.

تعریف فکر: فکر این است که انسان به معلومات مراجعه کند و بتونه یک مجهولی رو کشف کند. شیخ بهایی می گوید: در تعلقات تان بروید چیزهایی که می دانید تامل کنید تا یک مجهولی را به دست آورید و بفهمید. آینه چی؟ اولاًحقیقت یاب است ثانیاً چیزهایی که انسان خودش نمی تواند ببیند در آینه می بیند و ثالثاً خودش را در آینه می بیند. خیلی چیزها را نمی توان دید ولی فکر کنید می فهمید بهش می رسید. حقیقت ها را با فکر بفهمید. صرف دیدن و شنیدن منظور نیست و هرفکری را نکنید که این ذهن و فکر انسان حقیقت خود انسان را نشان می دهد. اون ها که فکرشان را به دنبال مجهولات راه انداخته اند و در نتیجه اون هدفی که بهش می رسند مشکل ساز برای جامعه است نشان می دهد که آن ها انسان های پستی هستند و هرفکری را نکنید فکرهای خوب داشته باشید.

مابقی استخوان و ریشه ای

ای برادر تو همه اندیشی

والسلام